

کرامت حضرت معصومه علیها السلام

به روایت میرزا علی اکبر فیض
تاریخنگار قمی در دوره ناصری

سید محسن محسنی

مقدمه

میرزا علی اکبر فیض ادیب و تاریخنگار قمی دوره ناصری (۱۲۴۵-۱۳۱۲ق) از کاتبان پرکار و از نویسندگان پرآثار آن دوره محسوب است. او فرزند میرزا علی اکبر خوانساری است که از ادیبان و نویسندگان همان دوره به شمار می آید. پس از مرگ فتحعلی شاه، عم او «علی محمد قرقی» که مورد عنایت همین شاه بود، به تولیت مقبره وی منصوب شد و بهمین مناسبت میرزا علی اکبر در سال ۱۲۵۰ ق به همراه پدرش و عم خود از تهران به شهر قم - مدفن شاه تازه درگذشته - آمدند. پس از درگذشت عمویش، تولیت آن مقبره به پدرش مرجوع شد و مدت بیست سال بدان کار اشتغال داشته است. سپس منصب مذکور به عهده خود وی محول می شود.

او بجز نویسندگی، در شاعری و خوشنویسی نیز توانا بوده است. دیوان اشعار او به خط شکسته نستعلیق موجود است و کتیبه های نگاشته او تا چندی پیش در بناهای این شهر وجود داشت و بازمانده آن کون در آستانه مقدسه قم وجود دارد. فیض در سال ۱۳۱۲ق در کربلا درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. (تحفة الفاطمین فی ذکراحوال قم و القمیین، مفلس قمی، ۲/۲۳۰)

فیض متعلق به خاندانی علمی - فرهنگی چند صدساله است که سرآمد آنان ملامحسن فیض کاشانی (طبق شجره نامه ناقص چاپ شده در تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم، ۲۴) می باشد. فرزند نامدار او آیت الله میرزا محمد فیض است که در دعوت از شیخ عبدالکریم حائری برای آمدن به قم و تاسیس حوزه علمیه شرکت و نقش مؤثر داشته است. در مجلس ختم ایشان بود که سپید حاج علی رزم آرا - نخست وزیر وقت - ترور شد. فرزندان و احفاد اخیر الذکر نیز خدمات ارزنده ای به شهر قم و جامعه علمی - فرهنگی کشور نموده اند که مختصراً بدان اشارت می رود:

۱- مرحوم شیخ عباس فیض از روحانیون دانشمند و نویسنده گنجینه آثار قم و چندین اثر دیگر که همچون جدش از نویسندگان پرکار به شمار می رفته است (متوفی ۱۳۵۳ ش و مدفون در ضلع شرقی شیخان قم). قرار است کتاب مذکور را بنیاد قم پژوهی با کوشش آقای سیدرضا باقریان چاپ نماید. نویسنده در این کتاب مهارت خویش در معماری سنتی و کهن را در ضمن استفاده از اصطلاحات و تعبیرات معماری نشان داده است. این پرسش به ذهن می آید که او در کدام مکتب این هنر را فرا گرفته است؟ جا دارد صاحب همتی این واژه ها را بصورت جداگانه استخراج نماید. نگارنده مقداری از آنها را شتابانه به هنگام نگریستن بر نسخه پیش چاپ آقای باقریان در حاشیه آن استخراج نمود، گویا با چاپ فهرست این اصطلاحات بعلت حجیم شدن کتاب یا هر علت دیگری موافقت نباشد.

۲- دکتر علیرضا فیض، استاد ممتاز دانشگاه تهران در رشته فقه و اصول و نگارنده چندین اثر در موضوعات مذکور.

۳- آیت الله حاج میرزا مهدی فیض، امام جماعت مسجد امام حسن عسگری (ع). ایشان از نادرامانان جماعت اند که در وقت فضیلت نماز عصر - ۲ تا ۲/۵ ساعت به غروب شرعی - نماز ظهر و عصر را با هم اقامه می نمایند.

فرزندان یاد شدگان نیز منشاء آثار سودمندی برای کشوراند. جای خوشبختی است که جناب دکتر محمود مرعشی بیشرینه (این واژه در گویش قمی متداول است) آثار خطی خاندان فیض را که در اختیار مرحوم شیخ عباس بوده است، به کتابخانه آیت الله مرعشی (ره) انتقال داده اند.

آثار فیض در مورد قم

وصف تحلیلی آثار فیض در مورد قم را که از حیث مضمون و تعداد درخور توجه است، جناب دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی در «کتابشناسی آثار مربوط به قم» آورده اند. (همان کتاب، ۱۳۵۳ ش، ۸۲-۱۱۷) مهمترین اثر او در مورد قم «تاریخ قم» وی است که امید داریم دستیاب و چاپ شود.

آثار چاپ شده فیض

در چند دهه اخیر چند اثر از وی چاپ شده است که به شرح مختصر آن می پردازد:

۱. «گزارشی در باب شورش شیخ عبیداله گرد»، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی، مجله وحید، ش ۲۵۴-۲۵۵ (۱۳۵۸): ۲۰-۲۷ که برگرفته از جنگ نگاشته فیض محفوظ به شماره ۱۶۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی است.

این گزارش در «قیات» مجموعه نگاشته های جناب مدرسی در مورد قم، انتشارات زاگرس، نیوجرسی، ۱۳۸۶، بازنشر شده است. همچنین مقدمه کوشنده در «شناختنامه قم» به کوشش علی بنایی ۵/بخش دوم ۷۵-۸۰، ۱۳۹۰ مجدداً چاپ شده است.

۲- «قم در قحطی بزرگ» به کوشش جان گرنی، منصور صفت گل، کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۳۸۷. عنوان اصلی رساله «وقایع قحط سالی قم» و در شرح آدم خواریهای قحطی ۱۲۸۸ ق و بسیار خواندنی است.

توضیحات مفصل کوشندگان بر ارزش کتاب افزوده است.

صفحات ۹-۱۳۸ کتاب مذکور متضمن مقداری از توضیحات و اصل رساله در «شناختنامه قم»، ۵/۱۴۷-۲۸۷ نشر مجدد شده است.

۳- «خاندان فیض قمی» که یکی از دو تحریر او از احوال خاندانش است و نخستین بار در مجله میراث شهاب شماره پیاپی ۳۵-۳۶ سال ۱۰ (بهار و تابستان ۱۳۸۳) ۱۵۷-۱۷۶ که به کوشش میر محمد موسوی چاپ و بار دیگر در «شناختنامه قم» ۴/۱۶۳-۲۰۲ بازنشر شده است. این اثر به چاپ نو به همراه اصلاحات و توضیحات لازم دارد.

۴- «رساله فراقیه مقامه ای از قرن سیزدهم هجری» به کوشش علیرضا اباذری که در مجله پیام بهارستان دوره دوم سال چهارم شماره چهاردهم زمستان ۱۳۹۰، ص ۹ تا ۷۶ چاپ شده است. این اثر نیز متضمن فوائد تاریخی و اجتماعی و فرهنگی در مورد شهر قم است.

۵- «تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم» به کوشش دکتر علیرضا فولادی، بنیاد قم پژوهی و کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۳۹۳ ش، این اثر بجز اطلاعاتی که در خصوص شعرای دوره ناصری قم در بر دارد، آگاهی های اجتماعی و فرهنگی دیگری در مورد قم و همچنین واژه ها و اصطلاحات مدنی و کمیاب را متضمن است. نگارنده این سطور فهرست این واژه ها همراه ارسال المثلها و تمثیلات را استخراج و درج کرد، لیکن مصحح محترم با چاپ آنها موافق نبود. چاپ این گونه فهرست ها کمک شایانی به «فرهنگ جامع زبان فارسی» و «فرهنگ جامع ضرب المثلها» خواهد بود. به عبارت روشن تر میزانی از ظرفیت های پنهان زبان پارسی بدین ترتیب نشان داده می شود.

گفتنی است که جلسه نقد و بررسی چاپ مذکور در زمستان ۱۳۹۳ با حضور مصحح و دکتر علی اشرف صادقی و دکتر محمد مهیار و شماری از فاضلان از جمله دکتر اکبر ایرانی مدیر میراث مکتوب در مجتمع ناشران قم برگزار شد. نگارنده نیز در این جلسه حاضر بود.

استفاده از چاشنی طنز و چاشنی سره نگاری و افعال پیشوندی از مختصات تشریفیض است. اخیراً آقای سید علی ملکوتی توصیفی از آن را در مجله آینه پژوهش شماره ۱۵۲، خرداد - تیر ۱۳۹۴ بدست داده است. جا دارد اولیای فرهنگی کشور، همایشی شایسته در بزرگداشت این خاندان علمی - فرهنگی تدارک ببینند.

نگارنده امید دارد سالنگار این نویسنده و ادیب پرکار را به علاقمندان تقدیم دارد.

ضمناً متن حاضر را دکتر محمد باقر فیض فرزند آیت الله شیخ مهدی فیض رؤیت نموده اند.

کرامت حضرت معصومه (س) در شنبه ۱۸ شوال ۱۳۷۰ ق بر گرفته از برگ ۱۵۶ جنگ

شماره ۱۴۶ کتابخانه آیت الله مرعشی است که توصیف آن در «کتابشناسی آثار مربوط به قم»



۸۹-۹۳ آمده است. توضیحات و اضافات شامل ریخت نوشت^۱ (رسم الخط) دوواژه که با ریخت نوشت امروزی تفاوت دارد و هم چنین معانی شماری از آنها در داخل قلاب [] آورده شده است.

چند نکته در متن قابل دقت است:

۱- شفایافته سیدی فاضل از اهالی خلخال بوده است.

۲- از نجف و کربلا مراجعه کرده بود.

۳- شاعر با شأنی همراه او بوده است.

۴- بعد از خبر شفا، بازارها را آئین بستند و چراغانی کردند.

۵- استفاده از بازار بصورت جمع، نشان می دهد که شهر قم در آن زمان دارای بازارهای متعدد بوده، چنانکه در یادداشت های ناصرالدین شاه و سفرنامه جهانگردان وصف شده است.

مرحوم آیت الله العظمی مرعشی رحمته الله به مرسوم خود شرحی بر برگ نخستین آن نگاشته اند که در پی می آید:

«مجموعه حاویة لتراجم عدّة من شعراء بلدة قم وعدّة من مزارات تلك البلدة المقدسة و غيرها من الفوائد وهی من تألیف الفاضل الادیب النبیل المیرزا علی اکبر الفیض القمی بخطه الشریف، حرره شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی».

کرامت حضرت معصومه (س) در شنبه ۱۸ شوال ۱۳۰۷

روز شنبه هیجدهم شهر شوال المکرم از سنه هزار و سیصد و هفت کوری بود خلخالی در روضه مطهره حضرت فاطمه معصومه علیها سلام در قم چشم او شفا داده شد و بینا گردید. تفصیل از این قرار بود که این شخص اعمی [=کور] از اعتبار عالیات نجف و کربلا مراجعه کرده بود، سیدی بود فاضل، شاعر با شأنی که از همراهان همین شخص اعمی بود.

۱. برابر نهاده نگارنده برای ترکیب «رسم الخط» است.

درین سفر حکایت کرد که از کرمانشهان تا قم همسفر بودیم، این دو نفر پسرهای او دست او را می گرفته در منزل می بردند و به این طرف و آن طرف از جهت قضاء حاجت می کشانیدند. کفشدار [اصل: کفش دار] سرکار فیض آثار [= کفشدار آستانه مقدسه حضرت معصومه] حکایت کرد این شخص اعمی را در مشرف شدن به آستان مبارکه ملاحظه می کردم که چشمهای او نابینا بود، چنانچه در همان روز که شفایافت زمانیکه به روزه مطهره می خواست داخل شود در کمال حالت تضرع و گریه و ابتهاج [= زاری کردن، اخلاص و ورزیدن در دعا] بود با این حالت داخل روزه مطهره شد. دوسه ساعتی نگذشت که با چشم روشن از روزه بیرون آمد. خود آن اعمی حکایت کرد که با کمال دلسوزی و گریه و تضرع داخل روزه شدم و به همین حالت متوسل به روح پاک حضرت گردیده در همین حالت تضرع بیخود گردیدم. در حالت بیخودی و نوم [= خواب] ملاحظه کردم شخص سیدی پهلوی من است. به من گفت: برخیز، من عرض کردم: نابینا و کور هستم دست مبارک [را] بر روی من و پیشانی [اصل: پی شانی] من کشید و فرمودند: شفا یافتی. ناگاه بخود آمدم و متنبه [= آگاه شدن، هوشیار شدن] شدم، دیدم چشمهای من روشن است. به او گفتیم: روی مبارک آن سید را دیدی که پهلوی تو در خواب بود؟ گفت: روی مبارک او را ندیدم و هیچ اصل بشره [= چهره] ایشان در نظر من نیست. این خبر شایع گردید بازارها را آئین بستند، چراغ روشن کردند (برگ ۱۵۶)

